# قبول نیت به‌صورت داعی بر داعی، تفضلی از جانب خدا در روایت سماعه

حال در این چند لحظه من روایت سماعه را می‌خوانم.

> **عن سماعة قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: رجل صام يوما و الا يدري أ من شهر رمضان، وه أو من غيره فجاء قوم فشهدوا أنه كان من شهر رمضان، فقال بعض الناس عندنا ال يعتد به فقال: بلى فقلت: إنهم قالوا: صمت وأنت ال تدري أمن شهر رمضان هذاام من غيره؟ فقال: بلى فاعتد به فإنما وه شيء وفقك الله له، إنما يصام يوم الشك من شعبان، وال يصومه من شهر رمضان لأنه قد نهي أن ينفرد الانسان بالصيام في يوم الشك، وإنما ينوي من الليلة أنه يصوم من شعبان، فإن كان من شهر رمضان أجزأ عنه بتفضل الله وبما قد وسع على عباده، ولولا ذلك لهلك الناس**[1]

**«... قلت: إنهم قالوا»**؛ آن‌ها دلیل دارند که می‌گویند «لایعتد». **«صمت وأنت ال تدري أمن شهر رمضان هذاام من غيره؟ فقال: بلى فاعتد به فإنما وه شئ وفقك الله له، إنما يصام يوم الشك من شعبان»**؛ من عبارت را می‌خوانم تا ببینید مرحوم شیخ، صاحب حدائق چه گفتند و آن احتمالی که مرحوم آقای حکیم داده بودند را در عبارت معین کنیم. فرمودند: «انما یصام». عرض من این است که حضرت با این «انما»، همین «لاتدری» را توضیح می‌دهند. یعنی یک روز که بیشتر نیست. ای شعبان است ای ماه مبارک است. ماه مبارک هم «وفقک الله» است. توفیق آن جا است. حضرت می‌خواهند بگویند چطور به این برسید. و حال آنکه مانع دارید.

**«إنما يصام يوم الشك من شعبان، وال يصومه من شهر رمضان لأنه قد نهي أن ينفرد الانسان بالصيام في يوم الشك»**؛ پس در نیت ماه مبارک کردن مانع دارید. نهی دارید. اما نسبت به شعبان نهی ندارید. ولی یک روز هم بیشتر نیست. **«وإنما»**؛ حال حضرت راه کار می‌دهند. راه کار داعی به داعی. داعی به داعی تحیّلی. **«و انما ينوي من الليلة»**؛ از شب نیت می‌کند که **«أنه يصوم من شعبان»**؛ ماه مبارک را نیت نمی‌کند و شعبان را نیت می‌کند. **«فإن كان من شهر رمضان أجزأ عنه بتفضل الله وبما قد وسع على عباده، ولولا ذلك لهلك الناس»**؛ روایت تا اینجا بود.

**42:30**

مرحوم شیخ تفضل را به اجزاء زدند. یعنی مجزی بودن آن به فضل خدا است. نفس الامری نیست. صاحب حدائق فرمودند «انما یتوی من اللیلة انه یصوم من شعبان»، شک است، من که نمیدانم ماه شعبان هست یا نه. حضرت به او یاد میدهند که نیت شعبان بکن. صاحب حدائق همینجا را گرفتند و فرمودند «لولا ذلک لهلک الناس» یعنی شما طبق احکام ظاهریه جلو میروید ولی اگر موفق شدی خدا درواقع برای شما انجام میدهد. تفضل را به «انما یتوی من شعبان» زدند. یعنی شما در حکم ظاهری نیت شعبان میکنید اما حکم ظاهریای است که خدا اجازه داده که به این صورت بروید تا به واقع هم برسید.

**شاگرد:** این کلام امام هم نبود ما نمیتوانستیم این حکم را بکنیم. چون شک در مکلف به میشود. یعنی احتمال میدادیم که برای روزه ماه رمضان داعی به داعی مجزی نباشد. لذا با این کلام امام میفهمیم که داعی بر داعی میشود.

**استاد:** حال من آن را هم عرض میکنم.

ببینید تا اینجا فرمایش صاحب حدائق است. پس ایشان به «انما یتوی من اللیلة انه یصوم من شعبان»؛ یعنی حکم ظاهری را جلو میدهند و میگویند شما طبق حکم ظاهری مشی کن، «وفّق له» تطابق ظاهر با واقع میشود. مرحوم آقای حکیم در صفحه 202 فرمودند جزم در نیت ندارم. البته در ادامه همراه شیخ میشوند. مثل مرحوم حاج آقا رضا و همچنین حاج آقای حکیم، تفضل را به اجزاء میزنند. ولی میگویند «لامکن»؛ ممکن است که این تفضل به عدم جزم در نیت بخورد. درحالیکه او دارد نیت شعبان میکند. ازاینجهت مشکلی ندارد. چطور میگویند جزم در نیت ندارد؟! یعنی همین که نمیداند! علی ای حال فرمایش ایشان خیلی با موازین روایت صاف نیست.

آن چه که من عرض کردم چه بود؟ من عرض کردم وقتی ما کل روایت را نگاه میکنیم اساساً حضرت وقتی شروع کردند و فرمودند «انما یصام» و بعد فرمودند «انما یتوی»، همه اینها در مجلس واحد بود. با اینها دارند به قول ناس جواب میدهند. این روشن است که امام میخواهند جواب او را بدهند. ما یک تکه روایت را بگیریم و از مقصود اصلی امام علیه‌السلام که دارند به قول ناس جواب میدهند غض نظر کنیم؟! اینکه نمیشود. خب باید جواب مطابق سؤال باشد. اگر ما بگوییم «اجزأ بفضل الله»، جواب به «انت لاتدری» و «هلک الناس» مطابق نمیشود. اینها بحثهایی بود که جلوتر عرض کردیم.

آن چیزی که من جلوتر عرض کردم این بود که اگر امام علیه‌السلام دارند جواب اشکال ناس را میدهند، پس تفضل به «لایدری» میخورد. چرا؟ چون اصل اشکال آنها در «لایدری» است. گفتند «صمت و انت لاتدری». حضرت میفرمایند بله، لایدری اما بتفضل الله؛ تفضل خدای متعال این طور نیست که همه جا بگوید «أطلب منک ان تفعل و انت تدری». دیروز هم مفصل مثالهای آن را عرض کردم. خب حال شما میفرمایید اینجا تعبد هست.

**46:43**

ببینید ما استصحاب را در مواردیکه میآید صرفاً شرعی میدانیم؟! اصلاً عقلاء از آن برّانی هستند؟! ای استصحاب یک اصل عقلائی است که بناء عقلاء هم در آن هست؟! هست ای نیست؟! اگر هست الآن امام میفرمایند ماه شعبان نبود، تو به چه مجوزی میخواهی نیت ماه مبارک بکنی و حال آنکه نمیدانی؟! خب مستصحب هستی. طبق اینکه مستصحب هستی و عقلاء هم تأیید میکنند، بنا را بر شعبان بگذار. اصلاً استصحاب برای شک است. تو هم که شک داری سیام

شعبان هست یا نیست، استصحاب شعبان میکنی. به این تعبد ورا استصحاب نیاز است؟

**شاگرد:** تا اینجا که استصحاب میکنیم خوب است اما اینکه مجزی از ماه رمضان باشد نیاز به تعبد داریم. یعنی امام بگوید که میتواند مجزی باشد.

**استاد:** یعنی امام علیهالسلام در روایت زهری استدلال میکنند که محتوای آن تعبد است؟ یا استدلالی کردند که زهری فهمید چه میگویند؟ حضرت فرمودند «ان الفرض وقع علی الیوم بعینه»، او دارد میگوید چون امام این را میگویند من هم قبول میکنم؟ یا دارم میفهمم که یک روز بیشتر نیست؟ اگر استدلالی است که دارد میفهمد، پس اجزاء آن هم مقابل استدلال است. یعنی اجزاء آن قابل استدلال و فهم عرف است.

**شاگرد:** مدلول التزامی آن این است که وقتی میگویم «وقع علی الیوم بعینه» پس نیت خصوص ماه رمضان نیاز نیست.

**استاد:** یعنی استدلالی است که با تعبد سر میرسد یا استدلالی است که زهری فهمید و با استصحابی که حکم ظاهری و واقعی بود، قانع به فهم شد، نه اینکه به تعبد فرمایش امام قانع شد.

**شاگرد:** در اینکه نیت تفصیلی شرط نیست، تعبد آمد و بعد خود میفهمد که «وقع علی الفرض» است.

**استاد:** اینکه نیت تفصیلی شرط نیست یعنی همان تفضلی که در روایت سماعه حضرت فرمودند.

**شاگرد:** منظور من هم از تعبد همین است. یعنی اگر امام این را نفرمایند ما نمیتوانستیم بفهمیم که باید داعی به داعی جلو ببریم. چون شک در مکلف به میشد.

**استاد:** ولی تعبدی که امام میفرمایند به این صورت است که در ادامه میفرمایند «لولا ذلک لهلک الناس». یعنی من دارم یک چیزی میگویم نه در خصوص یوم الشک. دارم یک چیزی در سراسر فقه میگویم که خدا به این صورت رفتار کرده. در این اندازه که هیچ حرفی نیست. یعنی شارع میتوانست از ما نیت تفصیلی بخواهد اما چون میدانیم در شریعت نخواسته است، نه اینکه در اینجا فقط نخواسته باشد. یعنی با پشتوانه روایت سماعه و زهری یک تعبد خاصی نیاز نیست. یعنی مجموع دو روایت سماعه و زهری با استدلالی که امام علیهالسلام کردند و استصحابی که میدانیم، دارند میگویند اجزاء یوم الشک در شریعت سمحه سهله و تفضل خدا، علی القاعده است.

**شاگرد:** مگر اینکه این جهت نیت داخل در ماهیت و پیکره آن عمل باشد؟ مثلاً بین نماز صبح و نافله صبح که پیکره عمل یکی است اما نیاز به نیت هست. البته در اینجا هم میتوانیم بگوییم نیاز بهدلیل خاص هستیم.

**استاد:** آن فضای دیگری است. فعلاً در مانحن فیه این عرض من است. روی این تأمل بکنید. اگر هم علیه آن چیزی به ذهنتان میآید یا بفرمایید یا بنویسید و به من بدهید که بعداً مطرح کنم انشاءالله.

**شاگرد:** شما مطلب را بالاتر بردید، گفتید اصلاً این اشکال ندارد و اصلاً قصد هست ولی به نحو اندماجی. یعنی اگر آن حرف را نمیفرمودید حتماً مجزی بود. این روزه گرفتن مشکلی ندارد.

**استاد:** شاهد فرمایش شما این است که عرف عام از روایات مستفیضه همان چیزی را می‌فهمد که خود شیخ اول گفتند. بعد گفتند معارضه شد و به اشکال کلاسیک برخورد کردند. و الا خود شیخ هم فرمودند بادی النظر، ظهور روایات مستفیضه... . لذا من عرض کردم که روایات مستفیضه هست و عرف از آنها استظهار کرده‌اند اما شما می‌خواهید با یک کلمه تفضل در روایت سماعه از کل فهم عرف دست بکشید. بسیاری از کسانی که این روایات مستفیضه را شنیده‌اند روایت سماعه را نشنیده‌اند. چون روایت سماعه یک روایت است اما روایت مستفیضه در اذهان اینها بوده و از آنها استظهار عرفی داشتند.

**شاگرد:** به عبارت دیگر این نحو از روزه گرفتن اصلاً اشکالی ندارد تا به جواب دادن نیاز داشته باشیم. چون آن چیزی که قصد شده واقع هم شده است. به‌صورت قصد اندماجی است. لذا ما وقع هم هست.

**استاد:** این بیان شما حتی در صورت نسیان و جهل هم می‌آید.

**شاگرد۲:** فرض بشرط لا که فرمودید، داری‌نصورت روزه او صحیح نیست؟

**استاد**: بله، یعنی خودش کاری کرده که نباید درست باشد.

**والحمد لله رب العالمین**

---

[1] وسائل الشيعة - ط الإسلامية ج۷ ص۱۳

---

بازبینی #1
ایجاد شده در 24 مه 2026 12:53:53 توسط ... .
به روزرسانی شده در 24 مه 2026 12:56:39 توسط ... .